

سرمقاله

نهمین سالی است که دوماهنامه تخصصی فرهنگ و ادبیات عامه منتشر می‌شود. این مجله علمی از همان آغاز تأسیس با هدف ایجاد سازمان علمی مستند برای انعکاس آخرین دستاوردهای علمی در حوزه فرهنگ عامه ایران و کشورهای فارسی‌زبان تأسیس شد. طی ۴۰ شماره کوشیدیم با اتکا به توان هیئت تحریریه و داوران مجرب، مقالاتی درخور شأن این حوزه مطالعاتی و اهداف انتخاب شود و انتشار یابد. سیر رشد کمی و کیفی مجله از تأسیس تا امروز طی نه سال صعودی بوده و از دوفصلنامه به دوماهنامه و از رتبه صفر به ۴۹۵ و Q1 و رتبه دو در مجلات زبانی و ادبی کشور تبدیل شده است. کاهش زمان انتشار مقالات از هشت ماه به دو ماه نیز حاصل تلاش بخش فنی و سرعت داوری و مدیریت داخلی مجله است.

با گسترش توجه به تحقیقات ادبیات عامه لزوم تهیه منبعی مستند در تحقیقات این حوزه کاملاً ضروری می‌نمود. این ضرورت وقتی دوچندان شد که گرایش ادبیات عامه نیز از سال ۱۳۹۵ در مقطع کارشناسی ارشد راه‌اندازی شد و انتشار مقالات پژوهشی مستند و متقن به منزله پشتوانه علمی این گرایش لازم بود. نبود مجله تخصصی در این حوزه نیز عامل دیگر انتشار مجله به شمار می‌رود. این دوماهنامه با چنین اهداف و نیازی شکل گرفت. اکنون با توجه به تجربیات نه ساله، لازم است برخی نکته‌ها به نویسندگان محترم یادآوری شود تا در نگارش و انتشار مقالات سودمند افتد:

از ویژگی‌های این مجله، ماهیت میان‌رشته‌ای بودن آن است که عامل پیوند تحقیقات در زمینه‌های مختلف ادبیات، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، هنر و معماری، باستان‌شناسی و تاریخ است. طیف مقالات مجله در این ۴۰ شماره (۳۵۰ مقاله) بیانگر این نکته است که هیئت تحریریه در گزینش مقالات این مهم را مدنظر داشته است. با چنین رویکردی درمی‌یابیم چه نسبتی بین گفتمان مطالعات فرهنگ و ادبیات عامه و گفتمان‌های دانشگاهی رشته‌های مرتبط با آن مانند انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، نقد ادبی، ایران‌شناسی، شرق‌شناسی، تاریخ، باستان‌شناسی و... وجود دارد؟ البته این الزام همراه با تعهد به عملکرد تخصصی مجله است که فقط به انتشار مقالات نوآورانه و مرتبط اقدام می‌کند.

تحریریه از انتشار مقالات توصیفی، کلیشه‌ای، بدون دستاورد مشخص پژوهشی، غیرتحلیلی، و تکراری پرهیز دارد. مقالاتی را داوران و هیئت تحریریه می‌پذیرند که متکی به داده‌های میدانی، تازه و متقن باشد. حوزه‌های مورد مطالعه نیز کم‌تر رصد شده باشد. موضوعات باید جزئی و تحقیق البته عمیق و استدلالی و تحلیلی باشد. ما امروز بیش از هر وقت نیاز داریم داده‌های فرهنگ عامه را از منظرهای گوناگون بررسی، نقد، تحلیل و واکاوی کنیم. نباید مطالعات

فرهنگ و ادبیات عامه به‌مثابه مواد خام، گردآوری و بدون وجوه تفسیری و تحلیل‌های جامعه‌شناختی، نقد ادبی، مردم‌شناسانه باقی بماند؛ بلکه این مواد گردآمده زمانی مؤثر است که به تولید دانش نظری محض بینجامد.

بخشی از مقالات ارسالی کاربرست نظریه‌ای در متن یک قصه یا شعر و ... است. معمولاً در چنین مقالاتی پژوهنده درک درستی از نظریه پیدا نمی‌کند یا به جای آنکه نگاه عمیق و دقیق و با فهم درست از نظریه داشته باشد، کلیشه‌ای و سطحی برخورد می‌کند و نظریه با متن تطابق کامل پیدا نمی‌کند. در واقع، به جای متناسب‌سازی نظریه با متن و انطباق دقیق، اغلب نظریه بر متن تحمیل می‌شود. گاه نیز به جای مطالعه موردی آثار، مطالعه طیفی انجام می‌گیرد و هنگام مطالعه، بوم و ساخت بومی اثر در نظر گرفته نمی‌شود. افراط در دنباله‌روی صرف از تئوری‌های غربی، باعث می‌شود قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگ خودی فراموش شود.

برخی مقالات صرفاً نقل قول از منابع و پشت هم چیدن آن‌هاست. چنین مقالاتی در خوش‌بینانه‌ترین شکل، مرور پیشینه موضوع است بی‌آنکه نویسنده خود نقش و سهمی در مقاله داشته باشد. حجم این نقل قول‌های مکرر با عناوین مباحث نظری یا پیشینه و ... چنان فضا را بر اصل مقاله و موضوع محوری تنگ می‌کند که نویسنده از داده‌های گردآورده خود به درستی بهره نمی‌گیرد و نویسنده خود در این میانه گم است و نقشی ایفا نمی‌کند. چنین مقالات مروری هیچ‌گاه توفیق پذیرش نمی‌یابند.

این موارد چند نکته مهم بود و انشالله در شماره‌های بعد به برخی آسیب‌ها و موضوعات قابل توجه بیشتر اشاره می‌شود.

حسن ذوالفقاری

سردبیر